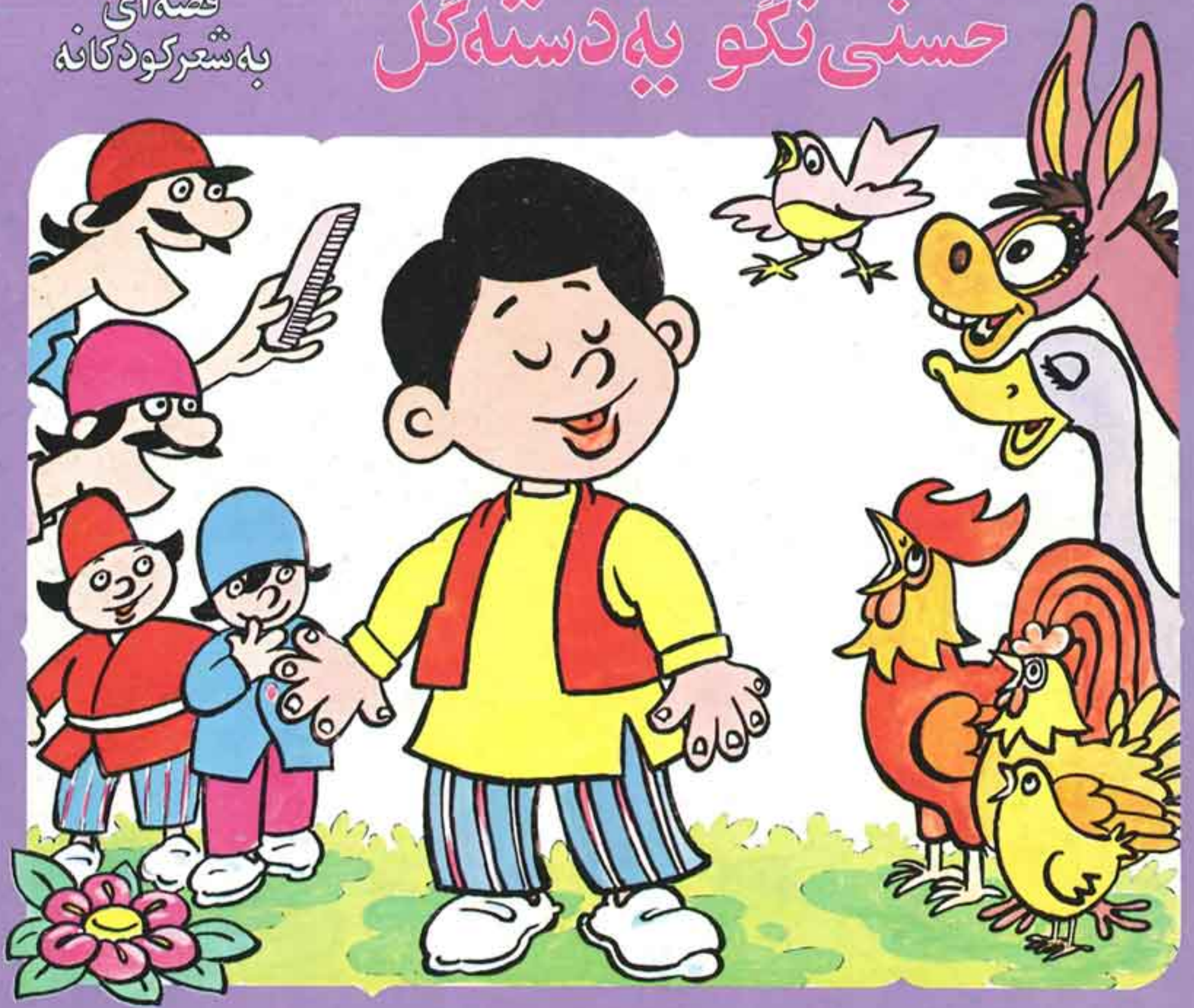


قصه‌ای
به شعر کودکانه

حسینی نگو به دسته گل



والدین گرامی

مهربان ارجمند

این کتاب برای کودکان ۳ تا ۶ ساله نوشته شده است. کودک در این سنین شتیاق فراوانی به شنیدن قصه

دارد و قصه خوانی برای او یکی از بهترین شیوه های پاسخگویی به این اشتیاق است.

کودک در سنین قبل از دبستان هنوز خواندن و نوشتن نیاخوانده و با راز و رمز شگفت انگیز خط آشنا نشده

است. اما آهنگ و مفهوم کلام را می شناسد و از شنیدن و فهمیدن آن لذت می برد. ماجرا و تخیل را درست

دارد و شنیدن قصه به او شادی و آرامش می بخشد.

این کتاب به قصد بلند خوانی برای کودکان چاپ و منتشر شده است.

بناام خدا



حسنی نگو په دسته گل

پورنگ
کیانوش
شعر
وفا سی



توی ده شلمرود ،
حسنی تک و تنها بود .
حسنی نگو ، بلا بگو ،
تنبل تنبلا بگو ،
موی بلند ، روی سیاه ،
ناخن دراز ، واه واه واه .
نه فلفلی ، نه قلقلی ، نه مرغ زرد کاکلی ،
هیچکس باهاش رفیق نبود .
تنها روی سه پایه ، نشسته بود تو سایه .

باباش میگفت :

- حسنی میای بریم حموم؟
- نه نمیام ، نه نمیام
- سرتو میخوای اصلاح کنی؟
- نه نمیخوام ، نه نمیخوام





کره الاغ کد خدا ،

یورتمه میرفت تو کوچه‌ها :

— الاغه چرا یورتمه میری؟

— دارم میرم بار بیارم ، دیرم شده ، عجله دارم .

— الاغ خوب نازنین ،

سر در هوا ، سم بر زمین ،

یالت بلند و پرمو ، دمبت مثال جارو ،

یک کمی بمن سواری میدی؟

— نه که نمیدم

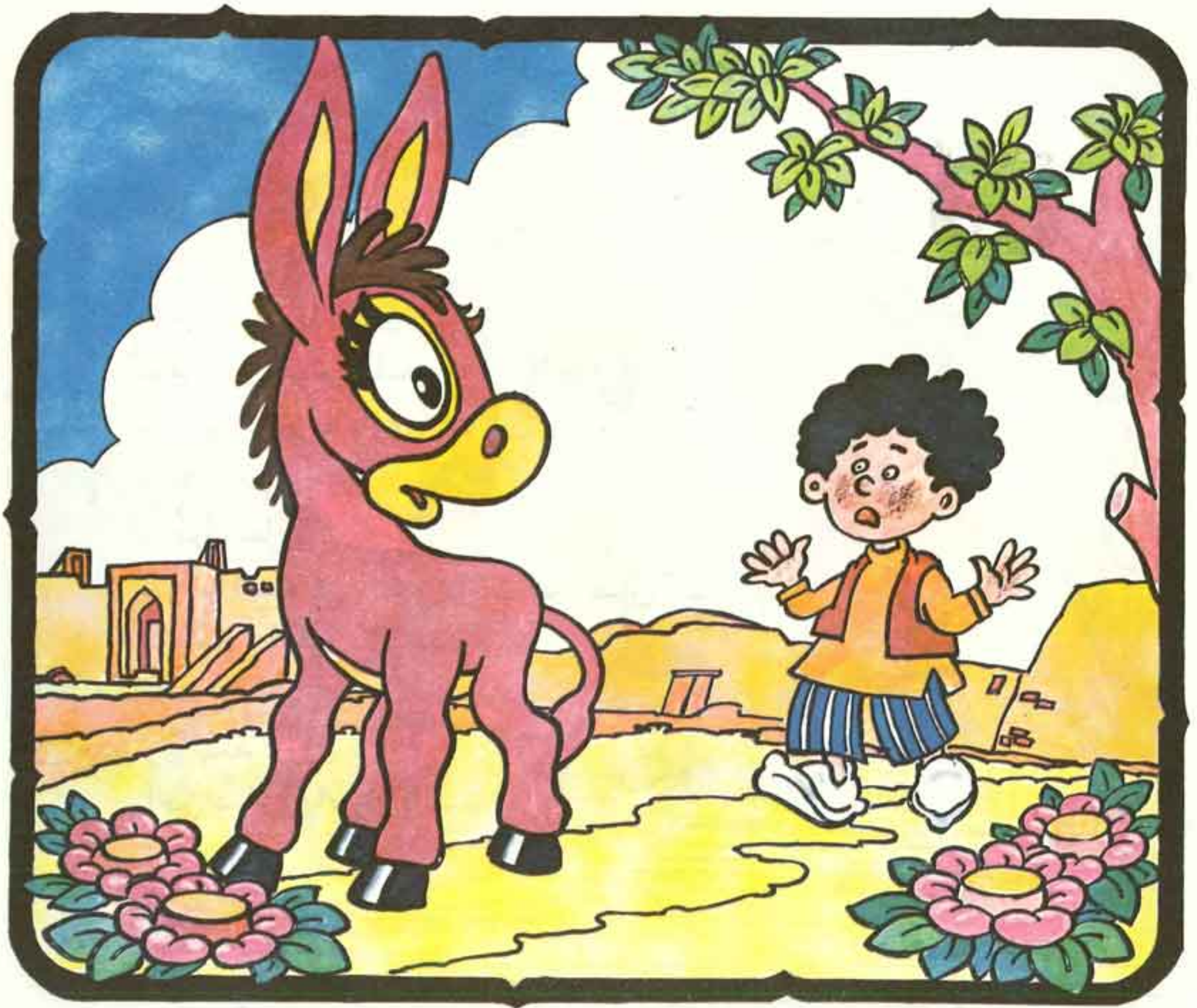
— چرا نمیدی؟

— واسه اینکه من تمیزم .

پیش همه عزیزم .

اما تو چی؟

موی بلند ، روی سیاه ، ناخن دراز ، واه واه واه !





غازه پرید تو استخر .

– تو اردکی یا غازی؟

– من غاز خوش زبانم .

– میای بریم به بازی؟

– نه جانم .

– چرا نمیای؟

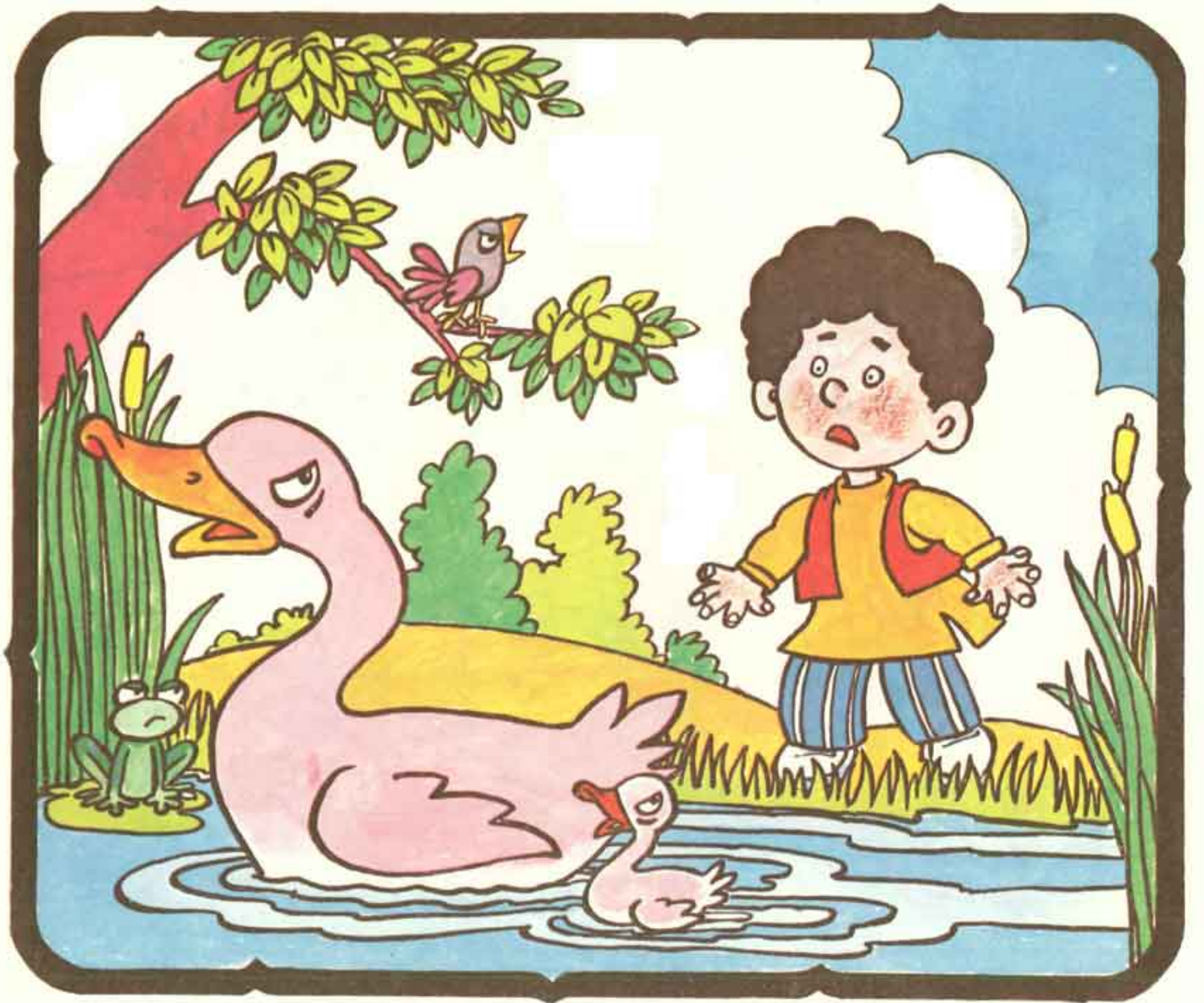
– واسه اینکه من ، صبح تا غروب ، میون آب ،

کنار جو ، مشغول کار شستشو .

اما تو چی؟

موی بلند ، روی سیاه ،

ناخن دراز ، واه واه واه .





در وا شد و یه جوجه
دوید و اومد تو کوچه ،
جیک جیک زنان ، گردش کنان
اومد و اومد ، پیش حسنی :

— جوجه کوچولو ، کوچول مچولو ،
میای با من بازی کنی ؟
مادرش اومد ،

— قدقدقا

برو خونه تون ، تورو بخدا

جوجه ریزه میزه

ببین چقدر تمیزه ؟

اما تو چی ؟

موی بلند ، روی سیاه ، ناخن دراز ، واه واه واه





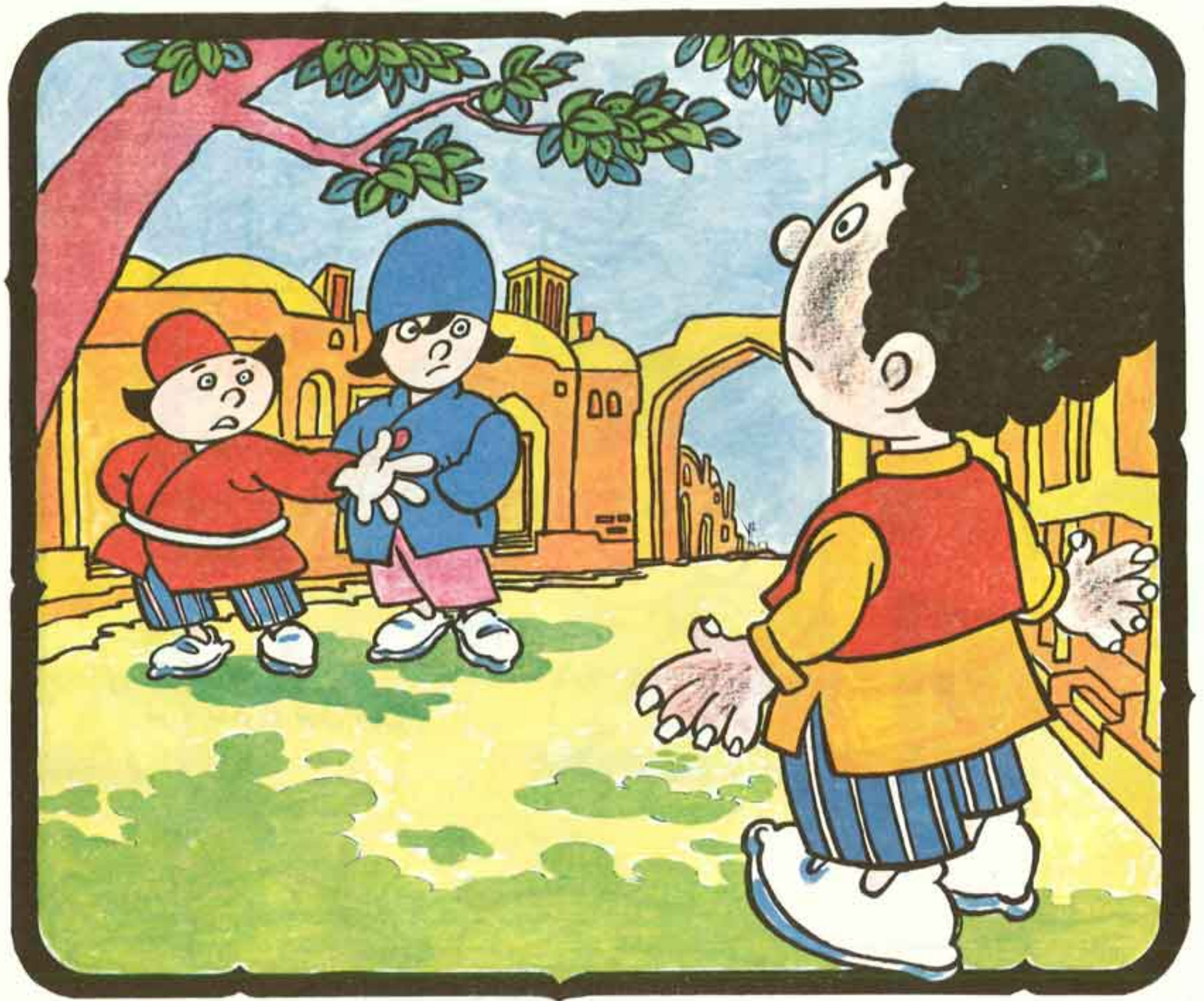
حسنى با چشم گريون ،
پاشد و اومد تو ميدون :
- آى فلفلى ، آى قلقلى ،
مياين با من بازي كنين ؟
- نه كه نميائيم .

- چرا نميائين ؟
فلفلى گفت :

- من و داداشم و بابام و عموم ،
هفته‌اى دو بار ميريم حموم .
اما تو چى ؟

قلقلى گفت :

- نگاهش كنين .
موي بلند ، روى سياه ،
ناخن دراز ، وااه وااه وااه .





حسنى دويد پيش باباش :

– حسنى مياى برىم حموم ؟

– ميام ، ميام

– سرتو ميخواى اصلاح كنى ؟

– ميخوام ، ميخوام

– حسنى نگو ، يه دسته گل

تر و تميز و تپل مپل





الاغ و خروس، جوجه و غاز و ببعی
با فلفلی، با قلقلی، با مرغ زرد کاکلی
حلقه زدن، دور حسن.

الاغ میگفت:

— کاری اگر نداری، بریم الاغ سواری.

خروسه میگفت:

— قوقولی قوقو. قوقولی قوقو؟

هرچه میخوای، فوری بگو.

مرغه میگفت:

— حسنی برو تو کوچه.

بازی بکن با جوجه.

غازه میگفت: حسنی بیا

با همدیگه بریم شنا.



توی ده شلمرود
حسنی دیگه تنها نبود .





بچه ها ، شما هم به همراه

دزده و مرغ قلفلی

به سرتاسر ایران سفر کنید
 وبا شهرهای قشنگ آن آشنا شوید .
 کتاب دزده و مرغ قلفلی دراز ترین
 داستان گریز و تعقیب .



نویسنده : شهر گلرانی
 تصویرگر : حسن نوری - امیر مکی
 ناشر : موجیر ایرانی
 ناشران : خاندان قلفلی
 پخش کننده : پناه گزینان
 آدرس : تهران
 پست چاب : پست پوچ ۱۳۷۵
 شماره : ۶۰۰۰۰
 تلفن مرکز پخش : ۳۴۴۴۰۷
 کتبه حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت : ۱۵۰ تومان

شابک : ۹۶۴ - ۰۸۷۱ - ۳۰۰
 ISBN 964 - 8872 - 20 - 0